

## رسم‌های بهدینان

کتابون مزدابور

قطعه زیر، در کتاب متن‌های پازند<sup>۱</sup>، بسا دین دبیره یعنی خط اوستائی، آمده است و در روایات داراب هرمز دیار<sup>۲</sup> نیز، روایتی دیگر از آن هست. چون به نظر می‌رسد که نکته‌های شیرین و سودمندی در بردارد، نگارنده، آن را از دین دبیره، به خط فارسی برگردانیده و نقطه‌گذاری کرده است. برای هرواژه، نزدیک‌ترین معادل آن در فارسی، انتخاب گردیده و از اختلاف‌های خطی یا گویشی واژه بامعادل فارسی آن، چشم‌پوشی شده است.

زبان آن درخور پژوهش مستقلی است و می‌توان گفت که در مرزی میان فارسی نو و گویش‌های دوره میانه، جای می‌گیرد. آوانویسی متن مفید نیست و هرچند که شاید خواندن آن با شکل زیر، کمی دشوار باشد، می‌تواند نحو آن، به کار پژوهندگان بیاید که به دستور تاریخی زبان، علاقه دارند.

از دوستان عزیزم خانم دکتر مهشید میرفخرائی و آقای دکتر محمد تقی راشد که این نوشته را پیش از چاپ شدن خواندند و در چندین مورد، مرارانه‌ائی کردند، سپاسگزارم. *گام علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

### رسم‌های بهدینان این است<sup>۳</sup>

که: ماه سپندارمذ<sup>۴</sup>، روز خرداد<sup>۵</sup>، آن را خرداد سال گناه نوروز زاوولی گویند. دریائی نیز گویند.

ماه سپندارمذ، روز اشناد<sup>۶</sup>، ماچی<sup>۷</sup> را هورک<sup>۸</sup> گویند. از اشناد روز تا انیران<sup>۹</sup> روز، پنج‌روز کهتران<sup>۱۰</sup> گویند. در این پنج روز، یک هزار دویست اشم و هو<sup>۱۱</sup> به خواندن<sup>۱۱</sup>، یافت<sup>۱۲</sup> خواستار<sup>۱۳</sup> بود، یان<sup>۱۴</sup> حاجت، روا شود. از اهنوت گاه<sup>۱۵</sup> تا و هیشتویشت گاه<sup>۱۵</sup>، آن پنج‌را، پنج روز مهتران<sup>۱۶</sup> گویند. در این پنج روز، یک هزار

دویست اهنور ۱۶ به خوانند، ایافت ۱۲ خواستار بود، کرفه‌های ۱۷ عظیم بود.  
ماه فروردین، روز هرمزد ۱۸، نوروز بزرگ است، نوروز العظیم گویند.  
کارهای کرفه به کنند. یزشن ۱۹ و میزد ۲۰ به کنند، آفرینگان ۲۱ به سازند، باج ۲۲ گیرند،  
«همازور هماشوبید ۲۳» به کنند.

ماه فروردین، روز خرداد، نوروز خردادی گویند. درون ۲۴ یزنند ۲۵،  
خششومن ۲۶، هیربدان را معلوم است. جامه نو و آب و شیر و گل و شیرینی و ناوه ۲۷  
اسپریم نهادن و میوه‌های پیش درون نهادن و به گاه هاون ۲۸، درون یشتن و به خششومن،  
یزشنی به کنند. نخستین، یزشنی به یزند و شادی و جشنی و مهمانی به کنند، باده ۲۹  
و مرد و زن، هر جنس، هفت ۳۰ بار می، به خورند و در این روز، هفت جامه نو، به  
تواتر و توالی به گرداند و به پوشد، به حدی که باد ۳۱! پوشش هفت جامه ۳۲، روز  
تمام بگذرد، کرفه‌های عظیم باشد. چه در دین بهی پیدا است که هر سال چون فروردین  
ماه، خرداد روز در آید، روزی به مردم به بخشند. هر چه در آن سال، به هر مردم خواهد  
گذشتن ۳۳، آن روز به نویسند ۳۴. آن روز را، روز برات ۳۵ گویند. هرمزد بهی ۳۶  
افزونی ۳۷، همه بهدینان را سالی مزد - مواجبت ۳۸ - بخشد. کرفه‌های عظیم به کنند:  
رادی کردن و راستی گفتن! و دیگر آن که هیربدان را، بهدینان خدمت به کنند،  
خلعت و جامه و زردادن را، هر چند که توانند، در آن روز به کنند تا هیربدان دعای  
می کنند، حاجت روا شود. هرمزد به ۳۶ افزونی، خواستاری ۳۹ هیربدان قبول می کند  
و چون درون به یزند ۴۰، خرداد امشاسپند، آن کس را شفاعت کند، برای روزی او  
و در آن روز، هر مرد و زن؛ هفت ۳۰ بار می، به خورند و در این روز، هفت بار می،  
چشند و دیگر روز، زنان بهدینان، اگر می، به خورند، آن زن را سنگ‌سار باید  
کردن، جز این روز.

ماه فروردین، روز خرداد، نوروز خردادی گویند. آن روز را، برات نیز  
گویند. یزشنی و آفرینگان و میزد، مهمانی و شادی و بخشش به کنند و دشمن،  
دوست می کنند.

همافروش اشوان ۴۱، دعای - آفرین - خان‌مان را؛ خشم ۴۲ - زن - و فرزندان

را، دعای می کنند. هما فروش اشوان، گیتی آوردند<sup>۴۳</sup>؛ خان مان روشنائی شود<sup>۴۴</sup>. هما فروش اشوان، دعای - آفرین - می کنند، هورک به نشاندن<sup>۴۵</sup>، بهدین زند و اوستا و آفرینگان به خواندن؛ در این پنج روز، از اشتادتا انیران روز و پنج روز پنجمی<sup>۴۶</sup> را.

1. Pazend Texts, Collected and Collated by Ervad Edalji Kersaspji Antia. Bombay, 1909. PP. 167-9.
2. Darab Hormozdyar's Rivayat. ed. by: J. M. Unvala. Bombay, 1922. Vol. I. PP. 516-7.

۳. عنوان مطلب. در متن، هم با دین دبیره وهم باخط فارسی، نوشته شده است.

۴. یعنی اسفندماه.

۵. نام پنجمین امشاسپند که مظهر کمال هرمزد است و نام روزششم از هرماه.

۶. نام ایزد راستی و نام روز بیست و ششم از هرماه.

۷. در فروردیگان که روزهای بزرگداشت درگذشتگان و فروهر پاکان است، خانه - یادست کم، اطای از خانه - را، پاکیزه می کنند و آن را با رنگ سفید، آرایش می دهند. گلدانی از گل و آتشدان که در آن بوی خوش و چوب صندل می سوزد، می گذارند. در نزد پارسیان هند، ظرف گل که بایاد درگذشتگان و به نام ایشان، در آن گل می نهند، بر پایه خاصی قرار می گیرد که به آن، ماچی māchi می گویند و این واژه، ریشه سانسکریت دارد. māchi به موعده خاصی که در آن گلهای گلدان تعویض می شود نیز، اطلاق می گردد.

واژه فارسی هورک hurak که معنی و ریشه آن چندان روشن نیست، در ترکیب هورک نشاندن هم به کار رفته است و ظاهراً مقصود از آن، مجموعه آئین و آداب و رسومی است که طی آن، بزرگداشت فروهر درگذشتگان، انجام می گیرد. نک به:

Modi, J.J.: The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees. Bombay, 1922. PP. 474-5.

در این جای، ظاهراً هورک، توضیحی برای کلمه ماچی است یعنی مراسم ماچی را هورک می خوانند. در روایات داراب هرمزدیار (جلد اول. ص ۵۱۶ س ۱۱)، عبارت - مورد نظر، بدین شکل می آید: «ماه اسپندارمذ، روز آستاد. مانچی را هورک گویند.» امروزه کلمه هورک متداول نیست، اما واژه هورگ hurog تا چند سال پیش، کاربرد داشت. در روز اشتاد از ماه اسفند یا غروب پیش از آن روز،

خشتی را با گل سفید، رنگ می‌کردند و در چهار گوشه آن شمع افروخته می‌نهادند و در میانش، صمغی را که اشتره *ostora* نام دارد، می‌گذاشتند و آتش می‌زدند و خشت را در جایگاهی در خانه که به یاد بود در گذشتگان اختصاص دارد، قرار می‌دادند. خشت و شمع مزبور را هورک می‌خواندند. رسم مزبور و نیز واژه مربوط به آن، اینک متروک شده است.

۸. نام روز سی‌ام از هرماه.

۹. پنجه کوچک و پنجه بزرگ، دو پنج روز آخر سال است و در پنجه بزرگ، آخرین گاهنبار، برگزار می‌شود. این ده روز را فروردیگان می‌گفتند و در نزد پارسیان هندوستان، معتقدات نامیده می‌شود. نک به: گاه‌شماری در ایران قدیم. از حسن تقی‌زاده. تهران، ۱۳۱۶. ص ۷۳ به بعد.

۱۰. نام نیایش کوتاه و بسیار مهمی است که روزانه، بارها خوانده می‌شود.

۱۱. یعنی باید خواند. در متن، همه‌جای، *be* پیش فعل، جدا آمده است. هنگام برگردان آن به خط فارسی، این رسم الخط حفظ گردید.

۱۲. *yafat* و *ayafat*، صورت دیگری از آیفت است، در معنای نذرونیاز و آرزویی که مورد درخواست باشد.

۱۳. یعنی مورد درخواست.

۱۴. یان در معنای نعمت و موهبت و لطف و بخشایش است و یان حاجت، یعنی نعمت حاجت و نعمت مورد درخواست. احتمال دارد که کلمه حاجت، برای توضیح یان آمده باشد. احتمال دیگر آن است که کلمه یا، نه باشد.

۱۵. بر پنج روز آخر سال که اندرگاه و یا خمسة مسترقه و پنجه دزدیده نیز اطلاق می‌شود، نام پنج‌گاه یعنی پنج سرود زرتشت را نهاده‌اند که نخستین آن‌ها، اهنوت‌گاه و آخرین آن‌ها، وهشتواشت‌گاه است. در این پنج روز، گاهنبار همسپدمیم برگزار می‌شود که آخرین و بزرگترین جشن از جشن‌های ششگانه گاهنبار است. به هنگام هریک از شش گاهنبار، بخشی از کیتی پدید آمد و گاهنبار ششم، به آفرینش انسان باز می‌گردد. در این پنج روز، بویژه از روان درگذشتگان و فروهر ایشان یاد می‌شود و به یک تعبیر، مراسمی در آن انجام می‌گیرد که به بزرگداشت درگذشتگان اختصاص دارد.

۱۶. *ahunavar*. نام نیایشی است که امروزه به *یتااهوونریو* معروف است.

۱۷. یعنی ثواب و کار نیکو.

۱۸. نام خداوند و نام نخستین روز از هرماه.

۱۹. پرستش، مراسم مذهبی، به جای آوردن مراسم مذهبی یسناخوانی.
۲۰. فدیة، قربانی، شیر و شراب و میوه و گوشت که فدیة می کنند، مجلس سور و مهمانی.
۲۱. آئین آفرینگان، دعای خیر، دعای مخصوص آفرینگان. آفرینگان نام یک رشته از نمازهای زرتشتیان است که در مدت سال، در جشن‌ها و هنگام‌های مختلف به جای آورده می‌شود. چهارتای آن‌ها که مهم‌ترین آفرینگان است، در متن اوستای گلدنر، به این ترتیب ضبط است: آفرینگان دهمان، آفرینگان گاتا، آفرینگان گهنبار، آفرینگان ربتون (از فرهنگ پهلوی: تألیف دکتر بهرام فره‌وشی. چاپ تهران، ۱۳۴۶). به نقل از خرده اوستای پورداد.
۲۲. باج یا باز و باژ در معنای نیایش و نیایشی است که به زهمزه خوانند و باج گرفتن، خواندن نیایش است.
۲۳. نیایشی که نام آن هم‌ازور دهمان است، چنین آغاز می‌شود:  
هم‌ازور بید، هم‌ازورهما اشوبید، هم‌ازورهمانیک بید، هم‌ازورهما فرخ بید، هم‌ازور همیشه شاد و خرم و رامش فیروزگر بید... (جمله خورده اوستا، به کوشش رستم موبد رشید خورسند و آموزنده این شیر مرد نوذر. چاپ بمبئی. ص ۲۴۱). شاید منظور، برگزار کردن این نیایش باشد.
۲۴. درون drōn نان فطیر گندم است که به شکل گرده‌های کوچک می‌پزند و پس از تقدیس، به عنوان فدیة در تشریفات مذهبی زرتشتیان و پارسیان به کار می‌رود و آنرا به نام اهورامزدا، امشاسپندان و ایزدان و فروهرهای درگذشتگان، می‌خورند و نیز نام تمام مراسمی که در آن، نان درون به کار می‌رود. (از فرهنگ پهلوی. به نقل از یادداشت‌های گاتها. پورداد).
۲۵. یزند: فعل مضارع، سوم شخص جمع از مصدر یشتن است. یشتن: ستایش کردن، نیایش کردن، پرستیدن، بر جای آوردن مراسم مذهبی. درون یشتن: اجرا کردن مراسم درون و خواندن نیایش بردرون است.
۲۶. واژه خشنومن، به معنی خشنودی و رضایت و نیز اصطلاح دینی خاصی است. برخی از نیایش‌ها، می‌تواند به نام دادار اورمزدیایکی از امشاسپندان و ایزدان اختصاص یابد. گویند که آن نیایش، به خشنومن وی سروده شده است. در این جای، یعنی: هیربدان می‌دانند که نیایش را باید با کدامین خشنومن بخوانند.
۲۷. ناوه هر چه میان تهی و ظرف چوبین است. ظاهراً ناوه اسپرم، ظرف و گلدانی است که اسپرغم در آن نهاده باشند؛ گلدان گل. امروزه ظرفی را که در آن مورد و سرو و گل می‌نهند و بر سر سفره تشریفات دینی می‌گذارند، کلچه kalāca نامیده می‌شود.

۲۸. نام بخش اول از پنج گاه شبانروز است، یعنی از سپیده دم تا نیمروز.  
۲۹. مانند متن. ظاهراً «باده و» در جای «باده را» آمده است و منظور از آن «مهمانی با باده» است. احتمال دیگر آن است که باده، واژه اضافی و عنوانی برای مطالب بعدی باشد، یعنی باده: مرد و زن...

۳۰. متن: هفت هفت.

۳۱. در معنای «باشد» یا «بود»، یعنی اگر میسر باشد. احتمال دیگر: به حدی که با پوشش هفت جامه...

۳۲. حذف حرف اضافه، از ویژگی‌های این متن‌هاست و معنای عبارت چنین است، با پوشش هفت جامه... و نیز نک به یادداشت شماره ۳۱.

۳۳. متن: گذاشتن.

۳۴. اینک، خرداد روز از ماه فروردین را، به زبان دری زرتشتی، هیدرو habdorū گویند. این نام، ترکیبی کهنه و قدیمی دارد و مرکب است از habda و ruz که معادل واژه‌های هفده و روز است و معنای آن، روز هفده و هفدهمین یا هفده روز است و در وجه تسمیه آن گفته‌اند که روزی است با هفده جشن. درباره این روز که همان جشن زایش اشوزرتشت است، در رساله پهلوی روز خرداد، ماه فروردین؛ سخن رفته است. امروزه، در کنار مراسم دیگر، در این روز فال کوزه می‌گیرند. فال کوزه را به زبان دری زرتشتی، čak o dula می‌نامند و در یکی از خانه‌های محله، مراسم آن انجام می‌گیرد. در آن، به نام هرکس، شئی کوچکی یا به اصطلاح، مهره‌ای در کوزه می‌اندازند. کوزه در گشاده یا دوره dula، حتی المقدور باید سبز رنگ باشد. دختری نابالغ، مهره‌ها را با آویشن، در آن می‌ریزد. کوزه را با پارچه سبز می‌پوشانند و با جارویی نو و آینه، در زیر درختی که بهتر است مورد یا سرو یا انار باشد، قرار می‌دهند. پاسی که از روز گذشت، زنان و بچه‌ها، جمع می‌شوند و دوبیتی می‌خوانند و دخترک، با هر دوبیتی، مهره‌ای از کوزه درمی‌آورد و دوبیتی، فال صاحب مهره است و آینده او را در آن سال، پیشگویی می‌کند. این مراسم، بنا بر سنت، در خرداد روز از فروردین مساه قدیمی انجام می‌گیرد و مطابق تقویم قدیمی زرتشتی، هیدرو در سال ۱۳۶۱، باروز گوش از ماه امرداد جدید یعنی دهم مردادماه، مصادف بوده است.

۳۵. برات: «نوشته‌ای که بدان دولت برخزان یا بر حکام، حواله و جهی دهد». چون در این روز، روزی هرکس معین می‌شود، آن را روز برات می‌نامند و هنوز هم این نام بر روز خرداد از ماه فروردین، اطلاق می‌گردد و آن را هیدرو بواتی می‌گویند. در عرف عام، شب پانزدهم شعبان را شب برات می‌نامند. آقای دکتر محمد تقی

راشد، درباره مراسم مردگان که در این شب، در بیرجند متداول بوده است، مقاله جالبی در دست تهیه دارند.

۳۶. برگردان برای weh یعنی نیک و نیک تر.

۳۷. برگردان برای afzōnīg که ترجمه پهلوی است. از -spəntā اوستائی.

۳۸. یعنی مزد که معنای آن موجب است. شاید: مزد مواظبت باشد.

۳۹. یعنی درخواست.

۴۰. در حال حاضر، به مناسبت ششم فروردین، مراسم جشن خوانی در آتشکده‌ها انجام می‌پذیرد و در جشن‌های خانگی، موبدان حضور نمی‌یابند.

۴۱. hamā frawās i āsoan یعنی فروهر همه نیکان. فروهر: یکی از اجزای

پنجگانه وجود آدمی که ازلی و ابدی است و به پاکان و نیکان تعلق دارد.

در ده روز فروردیگان، فروهر در گذشتگان به زمین و خانه خود باز می‌گردند و از آمدن آن‌ها، گیتی روشنائی می‌یابد. چون از بازماندگان خود راضی و خشنود باشند، برای ایشان دعای خیر می‌کنند و به خانه برکت می‌بخشند.

۴۲. xasm شاید خسم فارسی باشد، در معنای جفت و همسر که واژه زن، تفسیر آن است.

احتمال دیگر آن است که واژه خصم، توضیحی برای کلمه دشمن باشد که در سطر قبل آمده است و بعداً، توضیح، در متن داخل گشته است.

۴۳. مانند متن، یعنی بیایند. آوردن در مواردی دیگر نیز در معنای آمدن به کار رفته

است و نیز، کاربرد زمان ماضی در جای مضارع، در مواردی دیده می‌شود. مفهوم جمله این است: چون روان در گذشتگان به گیتی بیایند، خانمان روشن می‌شود.

۴۴. اشاره است به بازگشت فروهر در گذشتگان، در ده روز پنجه و در گاهنبار آخرین.

۴۵. متن: be našanəm. از روی قیاس با به خواندن، شاید به نشاندن درست باشد

در این صورت به جمله قبلی باز می‌گردد. احتمال دیگر آن است که در جای be nīsan, ham آمده باشد.

۴۶. یعنی ایام پنجه و پنجه مستتره.